


رابطه حرمت خود، کمال گرایی و خود شیفتگی با خودناتوان سازی در گروهی از دانشجویان*

Relationships between Self-Esteem, Perfectionism and
Narcissistic Personality with Self-Handicapping *

Soodabeh Bassak-Nejad,  Ph.D.


دکتر سودابه بساک نژاد*

Abstract

The goal of this research was to investigate relationships between self-esteem, perfectionism and narcissistic personality with self-handicapping in 580 students of Shahid Chamran University of Ahvaz. Four scales were applied: The Eysenck's Self-Esteem Test (EST), the Ahvaz Perfectionism Scale (APS), the Narcissistic Personality Inventory (NPI) and the Self-Handicapping Scale (SHS). The zero-order correlations and the multivariable regression were used for analyzing the data. Results showed that self-esteem had a negative correlation while perfectionism and narcissistic personality had positive correlations with self-handicapping. In addition, multiple correlations of self-esteem, perfectionism and narcissistic personality with self-handicapping were statistically significant. In male students, perfectionism and self-esteem and in female students, perfectionism were the best

چکیده

مطالعه حاضر به بررسی رابطه برخی ویژگی‌های شخصیتی با «خود ناتوان سازی» می‌پردازد. این پژوهش از نوع همبستگی بوده و نمونه، شامل ۵۸۰ دانشجوی کارشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز می‌باشند. در این مطالعه از «آزمون حرمت خود آیزنگ»، «مقیاس کمال‌گرایی اهواز»، «سیاهه خود شیفتگی» و «خردده مقیاس خود ناتوان سازی» استفاده گردید. داده‌ها با استفاده از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیره مورد تجزیه و تحلیل آماری قرار گرفتند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیر حرمت خود و خود ناتوان سازی همبستگی منفی و بین کمال گرایی و خود شیفتگی با خود ناتوان سازی همبستگی مثبت معنی‌دار وجود دارد. همچنین هر سه متغیر شخصیتی با خود ناتوان سازی همبستگی چندگانه دارند. در دانشجویان پسر کمال گرایی و حرمت خود و در دانشجویان دختر کمال گرایی بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های خود ناتوان سازی محسوب می‌شوند.

 Faculty of Education and Psychology, Shahid Chamran University, Ahvaz, I.R. IRAN, Email: soodabeh_bassak@yahoo.com Tel: (+98)916 61 49

* دریافت مقاله: ۱۳۸۶/۳/۲۶، تصویب نهایی: ۱۳۸۷/۵/۳۰
* دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران - اهواز

predictors of self-handicapping.
Keywords: self-esteem, perfectionism,
narcissism, self-handicapping, university
students.

کلیدواژه‌ها: حرمت خود، کمال‌گرایی، خود
شیفتگی، خود ناتوان‌سازی، دانشجویان
دانشگاه.



● مقدمه

«خودناتوان‌سازی»^۱ یکی از سازه‌های جدید در حوزه «روانشناسی اجتماعی» و «شخصیت» است که در چند دهه اخیر مورد توجه بسیاری از محققین قرار گرفته است. برای نخستین بار جونز^۲ و برگلاس^۳ (۱۹۷۸؛ به نقل از راس، کانادا و راش، ۲۰۰۲)، این سازه را شناختی را برای توصیف رفتارهایی به کار بردند که هدف آن‌ها خلق موانعی برای انجام یک تکلیف دشوار و پیش‌بینی شکست می‌باشد. به نظر آن‌ها، «خودناتوان‌سازی» ناخودآگاهانه بروز می‌کند و فرد به کمک آن تلاش می‌کند تا ارزیابی‌های دیگران درباره توانمندی و کارآمدی‌اش را مهار کرده و در قبال شکست‌های احتمالی از حرمت خود خویش حمایت کند (اردن، ۲۰۰۴). وانت و کلاپتمن (۲۰۰۶) توصیف می‌کنند که آدمی همیشه در تلاش برای مهار تصورات دیگران در قبال رفتار و توانمندی‌هایش می‌باشد و بر این اساس برانگیخته می‌شود تا به شیوه و راهبرد مطلوبی برداشت‌های دیگران را مهار کرده و از خود در قبال ارزیابی‌های بیرونی دفاع کند. مسلم است که شکست در انجام یک تکلیف دشوار، می‌تواند خطری برای کاهش حرمت خود و خود ارزش‌مندی محسوب شود و فرد تلاش می‌کند تا با استفاده از انواع راهبردهای مدیریت برداشت، تصورات دیگران را درباره خود به شیوه‌ای مطلوب تغییر دهد. سایینی (۱۹۹۵) بیان می‌کند که همه علاقمند هستند تا برداشت‌های دیگران را به شکل‌های مختلفی مهار کنند، آن‌چه باعث می‌شود تا بتوانیم برداشت‌ها را مهار کنیم، راهبردهای خود ابرازی است.

یافته‌های تحقیقی پاره‌ای از محققین (نسلر، تداشی و استور، ۱۹۹۵؛ استیونز و کریستوف، ۱۹۹۵؛ بامیستر، ۱۹۹۹) نشان می‌دهد که راهبردهای خود ابرازی، نوعی بیان و نمایش خود یا به عبارتی شیوه‌ای برای مهار برداشت‌های دیگران درباره خود است. روث، هریس و اسنایدر (۱۹۸۸) این راهبردها را به دو دسته راهبردهای خود ابرازی دفاعی و راهبردهای خود ابرازی

اظهار وجودی، تقسیم می‌کنند. هر کدام از این راهبردها به انواع فرعی تقسیم می‌شوند که «عذرخواهی»، «توجیه»، «سلب مسئولیت»، «خود ناتوان‌سازی» و «پوشش خواهی» از جمله رفتارهایی هستند که فرد برای حفظ و دفاع از خود پنداشت خویش مورد استفاده قرار می‌دهد و در مجموعه راهبردهای خود ابرازی دفاعی قرار دارند. «خودناتوان‌سازی» از میان انواع راهبردهای خود ابرازی بیشترین موضوع پژوهش محققین بوده و از جنبه‌های مختلف شخصیتی، آسیب‌شناسی و ارتباطات بین فردی مورد بحث قرار گرفته است. گروهی از محققین (اردن، میدگلی، و آندرمن، ۱۹۹۸، مارتین و همکاران، ۲۰۰۵) توصیف می‌کنند که وقتی فرد در موقعیتی قرار می‌گیرد که چندان به عملکردهایش مطمئن نیست و با نوعی تردید به آن چه انجام می‌دهد می‌نگرد، تلاش می‌کند تا ناتوانی‌هایش را پنهان کند و از شکست و پیامد منفی بگریزد. در چنین شرایطی فرد سدها و موانع رفتاری را از خود بروز می‌دهد تا ناتوانی‌اش را بپوشاند (سایینی، ۱۹۹۵).

تامسون و ریچاردسون (۲۰۰۱) توصیف می‌کنند وقتی دانش آموز یا دانشجویی قبل از یک امتحان دشوار بیمار شود، به مصرف الکل یا مواد مخدر روی آورد، از سردرد شدید شکایت کند یا شب قبل از امتحان تا دیر هنگام با دوستانش در خارج از منزل اوقات خود را سپری می‌کند سپس روز امتحان، جلسه را ترک می‌کند و امتحان را نیمه تمام می‌گذارد. اگر در این امتحان موفق شود یا نمره قبولی بگیرد چنین توجیه می‌کند که من فرد با هوشی هستم زیرا بدون آمادگی و علی‌رغم مشکلات قبل از امتحان، نمره قبولی آوردم و از سوی دیگر اگر در امتحان موفق نشود چنین توجیه می‌کند که این شکست به دلیل مشکلات قبل از امتحان بروز کرده و گرنه او فرد باهوش و توانمندی است. مایرز (۲۰۰۲) معتقد است که خود ناتوان‌سازی ترس فرد از تضعیف خود پنداشت. به نظر وی، شکی نیست که شکست، چهره بدی از فرد نشان می‌دهد و هوش و توانمندی‌های او را زیر سؤال می‌برد و خود ناتوان‌سازی راهبردی دفاعی برای کوچک پنداشتن شکست‌ها و تنظیم رفتارهای خود در قبال رفتارهای دیگران است. همان‌طور که یافته‌های (کاومن و فراری، ۲۰۰۲؛ فراری و تامسون، ۲۰۰۶؛ مورای و واردن، ۱۹۹۲) نشان می‌دهند «خودناتوان‌سازی» دو مزیت عمده دارد: الف. اگر فرد در تکلیفی شکست بخورد، رفتار خودناتوان‌ساز او را آماده می‌کند تا برای شکست خود عذری پذیرفتنی ارائه دهد و ب. اگر فرد در تکلیفی موفق شود، رفتارهای خود ناتوان‌ساز ارزش موفقیت او را افزایش می‌دهد و در فرد اطمینان و اعتمادی ایجاد می‌کند که می‌تواند انتظار موفقیت‌های بعدی را داشته باشد زیرا

علی‌رغم عدم آمادگی قبلی، توانسته نمره قبولی بیاورد. از میان مجموعه نظریه‌های مختلف دو نظریه در توصیف رفتار خودناتوان ساز از اهمیت بسزایی برخوردارند. یافته‌های تحقیقی لی و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهد که راهبرد خودناتوان سازی راهبردهای خود ابرازی دفاعی است که شخص با استفاده از این راهبرد تلاش می‌کند تا اثر مطلوبی روی دیگران بگذارد و ارزیابی‌های دیگران درباره خود را تغییر دهد. یافته‌های و تحقیقی مختلف (هیگینز، اسنایدر، و برگلاس‌ها، ۱۹۹۰؛ هابدن و پلینر، ۱۹۹۵؛ مک‌کراوهیرت، ۲۰۰۱) نشان می‌دهند که فرد تمایل دارد تا قضاوت دیگران را به هنگام شکست یا درباره موفقیت‌های خویش تغییر دهد و تصویر مثبتی از خود نشان دهد و از خود پنداشت‌اش حمایت کند. بنابراین خود ناتوان سازی را یکی از راهبردهای مدیریت برداشت تلقی می‌کنند.

از سوی دیگر تامسون (۲۰۰۴) خود ناتوان سازی را جزء مجموعه‌ای از رفتارهای اجتناب از شکست می‌داند. وی معتقد است شکست با پیامدهای منفی هم چون شرم، احساس گناه و احساس تردید درباره توانمندی‌های شخص همراه است. همین امر روی عملکردهای شخص اثر می‌گذارد و فرد انتظار شکست‌های بعدی را دارد. بنابراین رفتار خود ناتوان سازی راهی برای اجتناب از شکست است تا فرد بتواند احساس خود ارزشمندی خویش را مورد حمایت قرار دهد. محققین دیگری هم چون گریوین، سان‌تور، تامسون و زاروف (۲۰۰۰) و وانت و کلایتن (۲۰۰۶) نیز ضمن تأیید نظریه اجتناب از شکست توصیف می‌کنند یکی از راه‌های کاهش حس نا کارآمدی، ناتوانی و حمایت از خود پنداشت و اسناد شکست‌ها به عوامل بیرونی مثل بیماری، تصادف و اهمال کاری، استفاده از راهبرد خودناتوان سازی است. به همین جهت، رفتار خودناتوان ساز شامل رفتاری است که قبل یا هم زمان با یک فعالیت منجر به پیشرفت، بروز می‌کند که هدف آن فرار از پذیرش مسئولیت در انجام فعالیت و راهی مناسب برای معذوریت به خاطر انجام تکلیف ضعیف است.

به نظر وارمر و مور (۲۰۰۴) تامسون و ریچاردسون (۲۰۰۱) رفتار خودناتوان ساز با پیامدهایی هم چون کاهش انگیزه پیشرفت، احساس فرسودگی هیجانی، قرار گرفتن در چرخه اجتناب از پیشرفت، احساس ناتوانی و نا کارآمدی، کاهش انتظار کسب موفقیت و درونی کردن شکست شکل‌گیری باورهای غلط درباره توانایی (تلاش و سخت کوشی در رسیدن به موفقیت را نشانه‌ای از ناتوانی فردی می‌پندارند) همراه است. این پیامدها نشان می‌دهند که خود ناتوان سازی می‌تواند منجر به کاهش عملکرد شده و انگیزه پیشرفت را کاهش دهد. یافته‌های وارمر و

مور همکاران (۲۰۰۴) و رودوالد و فیر فیلد (۱۹۹۱) نشان می‌دهد که خودناتوان سازی می‌تواند به دو شکل در افراد ظاهر شود: گروهی ممکن است بدون تلاش و تمرین تکلیف دشواری را انجام دهند و سپس شکست خود را به عدم تلاش و تمرین نسبت دهند به این گروه خودناتوان سازی رفتار مدار می‌گویند. گروهی دیگر ممکن است که از طریق شکایت از بیماری اضطراب و تیدگی، شکست خود در انجام تکلیف را توجیه کنند که به این گروه خود ناتوان سازی مدعی مدار می‌گویند.

تحقیقات متعددی به بررسی رابطه برخی ویژگی‌های شخصیتی با خود ناتوان سازی می‌پردازد (کیمبل، فونک و داپولیتا، ۱۹۹۰؛ فراری، ۱۹۹۱). بیشترین تحقیقات روی رابطه حرمت خود، کمال گرایی و شخصیت خود شیفته با خود ناتوان سازی متمرکز شده است. «حرمت خود»^۴ از جمله مفاهیم روانشناختی است که با خود ناتوان سازی رابطه دارد. حرمت خود شامل مجموعه‌ای از خود ارزیابی‌ها موفقیت در مقوله‌های ارزشمند و ارزش‌های اجتماعی است که در طول زمان از طریق ارتباطات اجتماعی در فرد شکل می‌گیرد (فرانکن، ۱۹۹۸). مجموعه‌ای از شکست‌ها طرد ارزیابی‌های منفی دیگران، والدین منتقد و سخت‌گیر در تاریخچه زندگی فردی می‌تواند حرمت خود را شکننده و نامطمئن سازد. پیامد یک حرمت خود شکننده و نامطمئن، احساس تردید نسبت به توانایی‌های شخصی و بی‌اعتمادی است.

یافته‌های پولفورد، جانسون و آویدا (۲۰۰۵) نشان می‌دهد که «حرمت خود» با «خودناتوان سازی» رابطه دارد و خودناتوان سازی تلاش‌های فردی برای کاهش تهدیدات اجتماعی نسبت به حرمت خود است. افرادی با حرمت خود شکننده و آسیب پذیر در قبال تهدیدات بیرونی مثل ارزیابی‌ها یا انتقادات دیگران درباره اعمال، پیامدهای اعمال یا شکست‌های احتمالی شدیداً دفاعی شده و از راهبرد خود ناتوان سازی استفاده می‌کنند. مورف، ویر و داویدوف (۲۰۰۲) و فیک و رودوالد (۱۹۹۷) توصیف می‌کنند که خودناتوان سازی یک «شمشیر دو لبه»^۵ است زیرا از یک سو می‌تواند حرمت خود را افزایش دهد و شکست را به عوامل بیرونی اسناد دهد و از سوی دیگر منجر به کاهش عملکرد برای حمایت از حرمت خود و خودپنداشت در رویارویی با شکست گردد. ساینی (۱۹۹۵) بیان می‌کند که خودناتوان سازی در افراد با حرمت خود پایین، می‌تواند منجر به حمایت از خود در قبال شکست‌ها و کاهش عملکرد در جهت کاهش تهدیدات مختلف (مثل ارزیابی دیگران درباره عملکرد) گردد. کمال گرایی یکی دیگر از متغیرهای شخصیتی است که با خودناتوان سازی رابطه دارد. کمال گرایی حرکت به سوی

معیارهای متعالی است و کمال‌گرایان افرادی هستند اگر نتوانند تکلیف یا فعالیتی را به طور کامل انجام دهند از موقعیت اجتناب می‌کنند و در انجام عمل تعلل می‌ورزند. زیرا موقعیت طبق معیارهای متعالی آن‌ها نیست. فراست، مارتین، لاهارت و روزن بلیت (۱۹۹۵) توصیف می‌کنند ترس از بروز اشتباه، تردید در چگونگی عملکرد شخصی و گرایش به منظم بودن و سازماندهی از جمله ویژگی‌های اصلی کمال‌گرایان است. هم‌چنین فلت و همکاران (۱۹۹۸) نیز باورهای غیر منطقی مثل انتظارات بالا از خود، نیازمند به تایید اجتماعی، خود سرزنشی و اجتناب از شکست را از دیگر ویژگی‌های کمال‌گرایان تلقی می‌کنند. یافته‌های پاره‌ای از محققین (فراری و تامسون، ۲۰۰۶؛ پولفورد و همکاران، ۲۰۰۵) نشان می‌دهد که بین ویژگی‌های کمال‌گرایی و خود ناتوان سازی هم پوشی بالایی وجود دارد، به طوری که کمال‌گرایان علاقمندند تا تکلیفی را کامل انجام دهند و اگر در موقعیتی قرار بگیرند که نتوانند تکلیف را به طور کامل انجام دهند و شکست را پیش بینی می‌کنند، برای مهار ارزیابی‌های دیگران درباره خود از راهبرد خود ناتوان سازی استفاده می‌کنند. در هر حال تلاش آن‌ها در جهت حمایت از خود ارزشی و حرمت خود خویش است.

یکی دیگر از ویژگی‌های شخصیتی که با خود ناتوان سازی رابطه دارد «شخصیت خود شیفته» است. رودوال، تراکاکیس و فینرتی (۲۰۰۶)، شخصیت خود شیفته را با الگوی فراگیری از بزرگ منشی، نیاز به تحسین، تأیید و تمجید و فقدان همدلی توصیف می‌کنند. این افراد نسبت به انتقاد و شکست حساس هستند و شکست منجر به احساس سرافکنندگی و حقارت در آن‌ها می‌گردد. از سوی دیگر یافته‌های تحقیقی والاس و بامیستر (۲۰۰۲) نشان می‌دهد که افراد خود شیفته حرمت خود و خود پنداشت بسیار حساس و شکننده‌ای دارند و وقتی در شرایطی قرار می‌گیرند که حرمت خود آنها مورد تهدید قرار می‌گیرد، برای مثال انتظار شکست در انجام تکلیفی را دارند یا توانایی فردی اشان مورد انتقاد قرار می‌گیرد، رفتار خود ناتوان ساز را بروز می‌دهند. به نظر رودوال و همکاران (۲۰۰۶) باید در توصیف ویژگی‌های شخصیت خود شیفته به بروز رفتار خود ناتوان ساز نیز اضافه کرد زیرا خود ناتوان سازی به افراد خود شیفته اجازه می‌دهد تا در این شکست‌ها از یک سو موقعیت خود و از سوی دیگر توجه و برتری خویش را حفظ کنند. هدف از پژوهش حاضر «بررسی روابط ساده و چندگانه حرمت خود کمال‌گرایی و خود شیفتگی» به عنوان متغیرهای پیش‌بینی کننده خود ناتوان سازی در دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران است.

● روش

○ «جامعه آماری» این پژوهش، شامل کلیه دانشجویان کارشناسی دانشگاه شهید چمران می‌باشند که در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ در دانشکده‌های مختلف این دانشگاه مشغول به تحصیل بودند. به شیوه تصادفی طبقه‌ای از میان کل دانشجویان، ۵۸۰ دانشجوی انتخاب شدند. سپس به شیوه تصادفی ساده دو نمونه مجزا، نمونه اول شامل ۲۰۰ دانشجوی دختر و پسر برای روایی و اعتبارسنجی آزمون‌ها و نمونه دوم شامل ۳۸۰ دانشجوی دختر (۱۹۵ نفر) و پسر (۱۸۵ نفر) برای مرحله آزمون فرضیه‌ها انتخاب شدند.

○ ابزارهایی که در این تحقیق مورد استفاده قرار گرفتند بدین شرح می‌باشند:

□ الف. مقیاس فنون خود ابرازی دفاعی (D-SPTS). این مقیاس برای نخستین بار توسط لی و همکاران (۱۹۹۹) به منظور سنجش انواع راهبردهای خود ابرازی دفاعی روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه ساخت و اعتباریابی شد. این مقیاس ۲۵ ماده دارد و یک مقیاس خود گزارشی، مداد کاغذی است. یکی از خرده مقیاس‌های آن «مقیاس خودناتوان‌سازی» است که به منظور سنجش خودناتوان‌سازی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفت. این مقیاس شامل ۷ ماده است و آزمودنی‌ها به طیفی از پاسخ‌ها از خیلی کم (۱) تا خیلی زیاد (۹) پاسخ می‌دهند. در تحقیق اولیه لی و همکاران (۱۹۹۹) همسانی درونی به روش آلفای کرونباخ ۰/۹۰ و ضریب درونی آن از طریق همبستگی بادو «مقیاس اضطراب اجتماعی»^۸ (واتسون و فرند، ۱۹۶۹) و «مقیاس مقبولیت اجتماعی»^۹ (مارلو-کران) به ترتیب ۰/۴۸ و ۰/۵۱- گزارش شده است. در تحقیق کنونی نیز همسانی درونی این خرده مقیاس در نمونه اعتباریابی برای دانشجویان دختر ۰/۸۱ و دانشجویان پسر ۰/۸۰ به دست آمد. هم چنین ضریب روایی این آزمون با مقیاس اضطراب اجتماعی واتسون و فرند (۱۹۶۹) برابر ۰/۵۱ می‌باشد. نتایج یافته‌ها درباره ویژگی‌های روان سنجی این مقیاس با نتایج تحقیق اولیه لی و همکاران (۱۹۹۹) هماهنگ است.

□ ب. آزمون حرمت خود آیزنک^{۱۰} (۱۹۷۶؛ به نقل از بیابانگرد ۱۳۷۹)، یک ابزار مداد-کاغذی، خودگزارشی است که دارای ۳۰ ماده می‌باشد توسط بیابانگرد (۱۳۷۹) ترجمه و آماده اجرا گردید. آزمودنی در پاسخ دادن به هر ماده باید یکی از ۳ گزینه «بلی»، «خیر»، و «نمی‌دانم» را انتخاب کند. هرگاه آزمودنی گزینه «بلی» را انتخاب کند نمره «یک» و اگر گزینه «خیر» را انتخاب کند نمره «صفر» و اگر گزینه «نمی‌دانم» را انتخاب کند نمره ۰/۵ به او داده می‌شود. نمره بالا در این آزمون نشان دهنده حرمت خود بالا، استواری هیجانی و سازگاری بالا می‌باشد و نمره پایین نشان دهنده احساس حقارت و نا استواری هیجانی است. هرزوی نژاد، شهنی بیلاق و نجاریان

(۱۳۷۹) برای محاسبه اعتبار و روایی این آزمون، آن را روی نمونه‌ای از دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز اجرا کردند. ضرایب اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸، به روش اسپیرمن- براون برابر ۰/۸۷ و به روش گاتمن برابر ۰/۸۷ به دست آمد. همچنین «آزمون حرمت خود آیزنک» و «مقیاس حرمت خود اهواز»^{۱۱} به طور هم‌زمان روی نمونه دانشجویی اجرا و ضرایب اعتبار محاسبه شده برای دانشجویان دختر ۰/۷۹ و پسر ۰/۴۷ گزارش شده است که هر دو در سطح $p < ۰/۰۰۱$ نشان می‌دهد که این مقیاس از ویژگی‌های روان‌سنجی رضایت‌بخشی برخوردار است.

□ ج. «مقیاس کمال‌گرایی اهواز»^{۱۲}. یک مقیاس مداد-کاغذ، خودگزارشی است که ۲۷ ماه دارد. این مقیاس توسط نجاریان، عطاری و زرگر (۱۳۷۸) ساخت و اعتباریابی شد. پیوستار پاسخ‌ها در این مقیاس بر پایه طیف «اغلب اوقات» (۳)، «گاهی اوقات» (۲)، به «ندرت» (۱) و «هرگز» (۰)، رتبه‌بندی شده است. برای سنجش اعتبار این مقیاس از ضرایب آلفای کرونباخ استفاده شده است. بر اساس نتایج حاصله ضرایب آلفای کرونباخ برای کل آزمودنی‌ها ۰/۸۹، آزمودنی‌های دختر ۰/۸۹ و پسر ۰/۸۸ می‌باشد (نجاریان و همکاران، ۱۳۷۸). برای سنجش روایی، به طور هم‌زمان این مقیاس با «پرسشنامه‌های الگوی تیپ A مرضی»^{۱۳} و «تیپ A غیر مرضی»^{۱۴} به دانشجویان نمونه پژوهش داده شد. ضرایب روایی محاسبه شده با «پرسشنامه الگوی تیپ A مرضی» ۰/۶۵ بود اما با «پرسشنامه الگوی تیپ A غیر مرضی» همبستگی معنی‌دار نبود. نجاریان و همکاران (۱۳۷۸) گزارش می‌کنند که این مقیاس ابزار مناسبی برای تشخیص ویژگی‌های کمال‌گرایی است.

□ د. «سیاهه خود شیفتگی»^{۱۵}. توسط کوباریچ، دیری و آستین (۲۰۰۴) روی گروهی از دانشجویان دانشگاه ساخت و اعتباریابی شد. این سیاهه توسط پژوهشگر ترجمه و جهت اجرا آماده گردید. این ابزار ۴۰ ماده دارد و یک ابزار خودگزارشی، مداد-کاغذی است. آزمودنی‌ها در پاسخ دادن به هر ماده یکی از دو گزینه «بلی» و «خیر» را انتخاب می‌کنند. کوباریچ و همکاران (۲۰۰۴) اعتبار این مقیاس را ۰/۸۵ گزارش می‌کنند. در این پژوهش برای ضریب همسانی درونی و روایی این ابزار از یک نمونه مجزای ۲۰۰ نفری از دانشجویان دختر و پسر استفاده شد که این نمونه اعتباریابی به طور تصادفی ساده انتخاب شده بودند. همسانی درونی این مقیاس به روش آلفای کرونباخ ۰/۸۱ می‌باشد. در پژوهش کنونی به منظور روایی این مقیاس از روش روایی ملاکی استفاده گردید. ضرایب روایی این مقیاس از طریق همبستگی بین نمره شخصیت خودشیفته با مقیاس‌های فرعی مقیاس الگوی پنج‌عاملی شخصیت NEO به دست آمد. یافته‌ها

نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مقیاس شخصیت خود شیفته با مقیاس های فرعی «برون گرایی»^{۱۶} و «با گشاده رویی»^{۱۷} ۰/۵۹ است که در سطح $p < ۰/۰۱$ معنی دار هستند. در این پژوهش بین «سیاهه شخصیت خود شیفته» با مقیاس های فرعی «روان آزرده گرایی»^{۱۸}، «توافق»^{۱۹} و «هشیاری»^{۲۰} بودن همبستگی معنی داری مشاهده نشد. یافته‌های ما در این پژوهش درباره رویی این مقیاس با یافته‌های اولیه کوباریچ و همکاران (۲۰۰۴) هماهنگ است.

○ در این تحقیق برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از شاخص های آمار توصیفی و استنباطی در یک طرح همبستگی شامل همبستگی تحلیل رگرسیون چند متغیره (به روش هم زمان و روش گام به گام) استفاده گردید.

● نتایج

همان طور که جدول ۱ نشان می‌دهد میانگین دانشجویان دختر در متغیرهای «کمال گرایی»، «خود شیفتگی» و «حرمت خود» بالاتر از دانشجویان پسر است. براساس یافته های حاصله ارزش t بر اساس میانگین متغیرهای کمال گرایی و خود شیفتگی و حرمت خود در دانشجویان دختر و پسر تفاوت معنی داری را نشان نداد اما در متغیر «خود ناتوان سازی»، ارزش t برابر $(p < ۰/۰۱)$ بود که تفاوت معنی داری را بین دو جنس نشان می‌دهد. ($t=۸/۱۱$)

جدول ۱- میانگین و انحراف معیار متغیرهای پیش بین و ملاک در دانشجویان دختر، پسر و کل

شاخص های آماری	پسر	دختر	کل
متغیرها	میانگین و انحراف معیار	میانگین و انحراف معیار	میانگین و انحراف معیار
حرمت خود	۱۹ (۵/۸۸)	۲۰ (۳۱۵)	۲۰ (۵/۱۰)
خود شیفتگی	۱۹/۲۰ (۶/۳۰)	۲۰ (۰/۶)	۲۰ (۶/۶۱)
کمال گرایی	۴۲/۶۸ (۱۱/۴)	۴۳/۷۰ (۱۱/۹)	۴۲/۲۱ (۱۱/۸۸)
خود ناتوان سازی	۱۹/۶۰ (۷/۳۰)	۱۷/۹۷ (۰/۲)	۱۹/۷۵ (۷/۲۰)

جدول ۲ ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین با خود ناتوان سازی به تفکیک در دانشجویان دختر پسر و کل دانشجویان آمده است. نتایج ضریب همبستگی بین متغیرهای «حرمت خود»، «خود شیفتگی» و «کمال گرایی» با «خود ناتوان سازی» در دو گروه دانشجویان دختر و پسر و کل دانشجویان نشان می‌دهد که بین شخصیت خود شیفته، کمال گرایی و خود ناتوان سازی همبستگی مثبت اما بین حرمت خود و خود ناتوان سازی همبستگی منفی معنی دار وجود دارد.

جدول ۲- ضرایب همبستگی بین متغیرهای پیش بین و ملاک در دانشجویان دختر پسر و کل

خودناتوان سازی									شاخص های آماری
کل			دختر			پسر			
n	p	r	n	p	r	n	p	r	متغیرها
۳۸۰	< ۰/۰۰۱	-۰/۴۸	۱۹۵	< ۰/۰۰۱	-۰/۴۳	۱۸۵	< ۰/۰۰۱	-۰/۴۵	حرمت خود
۳۸۰	< ۰/۰۰۱	۰/۵۴	۱۹۵	< ۰/۰۰۱	۰/۵۶	۱۸۵	< ۰/۰۰۱	۰/۵۵	خودشیفتگی
۳۸۰	< ۰/۰۰۱	۰/۴۴	۱۹۵	< ۰/۰۰۱	۰/۴۹	۱۸۵	< ۰/۰۰۱	۰/۴۵	کمال گرایی

به منظور تجزیه و تحلیل ضریب همبستگی چندگانه برای ترکیب خطی متغیرهای «حرمت خود»، «کمال گرایی» و «خود شیفتگی» با «خود ناتوان سازی» از تحلیل رگرسیون چند متغیره به روش ورود هم زمان استفاده شد. نتایج به دست آمده در جدول ۳ برای کل دانشجویان آمده است. ترکیب خطی متغیرهای کمال گرایی، حرمت خود و خود شیفتگی با خود ناتوان سازی برابر با ۰/۵۹ و ضریب تعیین برابر با ۰/۳۴ و نسبت F برابر ۱۹/۶۷ است که در سطح $p < ۰/۰۰۱$ معنی دار است. این یافته نشان می دهد که بین متغیرهای پیش بین با خود ناتوان سازی همبستگی چندگانه وجود دارد برای تحلیل دقیق تری از رابطه بین متغیرها از تحلیل رگرسیون چندگانه به

جدول ۳- ضریب همبستگی چندگانه به روش هم زمان بین متغیرهای پیش بین با خود ناتوان سازی در کل دانشجویان

شاخصها	متغیرهای پیش بین	R	R ^۲	ضرایب رگرسیون		
				F	p	
خودناتوان سازی	کمال گرایی	۰/۵۵	۰/۳۰	۳۴/۴۰	$p < ۰/۰۰۱$	$\beta = ۰/۴۶$ $t = ۷/۴۳$ $p < ۰/۰۰۱$
	کمال گرایی و عزت نفس	۰/۵۷	۰/۳۲	۲۴/۸۶	$p < ۰/۰۰۱$	$\beta = -۰/۱۳$ $t = ۱/۷۹$ $p < ۰/۰۷$
	کمال گرایی، حرمت خود و خودشیفتگی	۰/۵۹	۰/۳۴	۱۹/۶۷	$p < ۰/۰۰۱$	$\beta = -۰/۱۰$ $t = ۱/۲۵$ $p = ۰/۲۱$

روش گام به گام به تفکیک برای دو گروه دانشجویان پسر و دختر انجام گرفت. نتایج یافته ها در جدول ۴ و ۵ آمده است. نتایج تحلیل رگرسیون به روش گام به گام نشان می دهد که بهترین متغیرهای پیش بینی کننده خود ناتوان سازی در دانشجویان پسر کمال گرایی و حرمت خود است به طوری که ۳۲ درصد واریانس خود ناتوان سازی توسط این دو متغیر قابل تبیین است و در

جدول ۴- ضریب همبستگی چندگانه به روش گام به گام بین متغیرهای پیش‌بین با

خودناتوان سازی در دانشجویان پسر

ضرایب رگرسیون		F p	R ^۲ R	R	متغیرهای پیش‌بین	شاخصها متغیر ملاک
۱	۱					
	$\beta=۰/۴۹$ $t=۶/۴۳$ $p< ۰/۰۰۱$	$۴۰/۲۰$ $p< ۰/۰۰۱$	$۰/۳۰$	$۰/۵۵$	کمال گرایی	خودناتوان سازی
$\beta=-۰/۲۳$ $t=-۰/۰۶$ $p< ۰/۰۵$	$\beta=۰/۴۱$ $t=۵/۶۰$ $p< ۰/۰۰۱$	$۲۴/۸۶$ $p< ۰/۰۰۱$	$۰/۳۲$	$۰/۵۷$	حرمت خود	

دانشجویان دختر بهترین پیش‌بینی کننده خودناتوان سازی، متغیر پیش‌بین کمال‌گرایی است. به طوری که ۳۱ درصد واریانس خودناتوان سازی در دانشجویان دختر توسط متغیر کمال‌گرایی قابل تبیین است و متغیرهای حرمت خود و خود شیفتگی از معادله رگرسیون حذف می‌شوند.

جدول ۵- ضریب همبستگی چندگانه به روش گام به گام بین متغیرهای پیش‌بین با

خودناتوان سازی در دانشجویان دختر

ضرایب رگرسیون	F p	R ^۲ R	R	متغیرهای پیش‌بین	شاخصها متغیر ملاک
$\beta=۰/۴۹$ $t=۶/۳۱$ $p< ۰/۰۰۱$	$۴۰/۲۰$ $p< ۰/۰۰۱$	$۰/۳۱$	$۰/۵۶$	کمال گرایی	خودناتوان سازی

● بحث و نتیجه‌گیری

○ «خودناتوان سازی» از جمله سدها و موانع‌ها پیشرفت محسوب می‌شود که فرد تلاش می‌کند با استفاده از خودناتوان سازی ارزیابی‌های دیگران درباره کارآمدی و توانمندی‌اش را مهار کند. نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که خودناتوان سازی با برخی ویژگی‌های شخصیتی رابطه معنی‌دار دارند. از این میان «حرمت خود»، «کمال‌گرایی» و «خود شیفتگی» از جمله مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی محسوب می‌شوند که در متون تحقیقی رابطه آن‌ها با خودناتوان سازی مورد تأیید قرار گرفته است. همان‌طور که یافته‌های تامسون (۲۰۰۴) و لی و همکاران (۱۹۹۹) نشان می‌دهند، اگر خودناتوان سازی را در مجموعه راهبردهای خود ابرازی قرار دهیم و یا آن را در مجموعه رفتارهای اجتناب از شکست بگذاریم در هر دو حالت خودناتوان سازی

راهی برای حمایت از حرمت خود و خود‌پنداشت شخصی است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که بین حرمت خود و خود‌ناتوان‌سازی همبستگی منفی معنی‌داری وجود دارد. این بدان معنی است که هر چه حرمت خود پایین‌تر بوده رفتار خود‌ناتوان‌ساز بیشتر شده است. از سوی دیگر حرمت خود از جمله پیش‌بینی‌کننده‌های خود‌ناتوان‌ساز محسوب می‌شود به طوری که در دانشجویان پسر ۳۲ درصد واریانس خود‌ناتوان‌سازی توسط کمال‌گرایی و حرمت خود قابل تبیین است. این یافته با نتایج پژوهش‌های پولفورد و همکاران (۲۰۰۵) مورف و همکاران (۲۰۰۲)، فیک و همکاران (۱۹۹۷) همسو است. بنابراین در دانشجویان دانشگاه خود‌ناتوان‌سازی می‌تواند تلاش‌های فردی برای کاهش تهدیدات اجتماعی و حمایت از حرمت خود تلقی گردد. وقتی فردی بتواند از طریق خود‌ناتوان‌سازی از نگرانی‌هایش درباره شکست و ارزیابی‌های دیگران بکاهد، از این رفتار بعدها به طور مکرر استفاده کرده و در نتیجه عملکردهای موفقیت‌آمیز او را کاهش می‌دهد.

○ همان‌طور که تحقیق کنونی نشان می‌دهد کمال‌گرایی با خود‌ناتوان‌سازی همبستگی مثبت معنی‌دار دارد. این یافته با یافته‌های پژوهشی فراری و تامپسن (۲۰۰۶) پولفورد و همکاران (۲۰۰۵) هماهنگ می‌باشد. اصولاً کمال‌گرایان افرادی هستند که علاقمند هستند تا تکلیفی را به طور کامل انجام دهند و یکی از ویژگی‌های اصلی آن‌ها ترس از بروز اشتباه است. در نتیجه شکست‌های احتمالی را مهار می‌کنند و پیامد آن خود‌ناتوان‌سازی است. نتایج یافته‌های کنونی نشان می‌دهد که در دانشجویان پسر و دختر کمال‌گرایی از جمله متغیرهای پیش‌بینی‌کننده خود‌ناتوان‌سازی و در دانشجویان دختر ۳۱ درصد واریانس خود‌ناتوان‌سازی توسط متغیر شخصیتی کمال‌گرایی قابل تبیین است.

○ همبستگی مثبت معنی‌دار بین «خود‌شیفتگی» و «خود‌ناتوان‌سازی» یکی دیگر از یافته‌های این تحقیق است. این یافته نشان می‌دهد که افراد خود‌شیفته با الگوی خاص شخصیتی مثل بزرگ‌منشی توجه و تحسین، حرمت خود حساس و شکننده‌ای دارند و برای حمایت از حرمت خود خویش در قبال شکست‌های احتمالی از خود‌ناتوان‌سازی استفاده می‌کنند. در هر حال خود‌ناتوان‌سازی راهی برای رهایی احساس ناکارآمدی در افراد خود‌شیفته است. یافته‌های ما نشان می‌دهد علی‌رغم همبستگی معنی‌دار بین خود‌ناتوان‌سازی و خود‌شیفتگی، خود‌شیفتگی از جمله متغیرهای پیش‌بینی‌کننده محسوب نمی‌شود و در نمونه مورد بررسی، خود‌شیفتگی از معادله رگرسیون حذف می‌شود.

○ از دیگر نتایج موجود در پژوهش حاضر تفاوت معنی‌دار بین دختران و پسران دانشجو در

«خودناتوان سازی» است به طوری که میانگین خودناتوان سازی در پسران بالاتر از دختران می‌باشد. این یافته نشان می‌دهد که پسران دانشجو برای حمایت از خود ارزشی و حرمت خود خویش بیشتر از دختران از خود ناتوان سازی استفاده می‌کنند. به نظر می‌رسد پسران در شرایطی که شکست را پیش‌بینی می‌کنند برای رهایی از احساس منفی نسبت به خود و حفظ خود پنداشت از راهبرد، خودناتوان سازی استفاده می‌کنند و عملاً موانعی برای مبارزه با شکست ایجاد می‌کنند در حالی که دختران بیشتر از پسران با شکست‌ها مبارزه کرده و برای کسب موفقیت تلاش می‌کنند. این یافته‌ها نیازمند تحقیقات بیشتری است.

○ نتیجه این پژوهش، یکی از بزرگترین معضلات کسب موفقیت و مبارزه با شکست‌ها یعنی خودناتوان سازی را توصیف می‌کند. ویژگی‌های شخصیتی افراد نقش مهمی در شکل‌گیری رفتار خودناتوان سازی در طول زمان دارد. مسلم است که آگاهی به افراد درباره استفاده از راهبردهای صحیح مقابله با شکست‌ها توجه به کسب تجربه و درک شرایطی که می‌توان با شکست مقابله کرد و در نهایت توجه به کارایی و کارآمدی‌های شخصی و به کارگیری توانایی‌های بالقوه دانشجویان توسط نظام‌های آموزشی در دانشگاه‌ها می‌تواند در کاهش خود ناتوان سازی بسیار سودمند باشد.

یادداشت‌ها

- | | |
|--|---|
| 1- Self-handicapping | 2- Jones |
| 3- Berglas | 4- Self-esteem |
| 5- Double-edged sword | 6- Self-Presentation Tactics Scale (D-SPTS) |
| 7- Self Handicapping Scale | 8- Social Evaluation Anxiety |
| 9- Social Desirability Scale | 10- Eysenck's Self-Esteem Test |
| 11- Ahvaz Self-Esteem Scale (ASS) | 12- Ahvaz Perfectionism Scale (APS) |
| 13- Type A1 Questionnaire (TAQ1) | 14- Type A2 Questionnaire (TAQ2) |
| 15- Narcissistic Personality Inventory | 16- Extraversion |
| 17- Openness | 18- Neuroticism |
| 19- Agreeableness | 20- Consciousness |

منابع

- بیابانگرد، اسماعیل. (۱۳۷۹). روش‌های افزایش حرمت خود در کودکان و نوجوانان. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مربیان.

- نجاریان، بهمن؛ عطاری، یوسفعلی؛ و زرگر، یداله. (۱۳۷۸). ساخت و اعتباریابی مقیاسی برای سنجش کمال‌گرایی. مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه شهید چمران. دوره سوم، سال پنجم، شماره‌های ۳ و ۴، صفحات ۵۸-۴۳.

- هرمزی‌نژاد، معصومه. شهنی ییلاق، منیجه؛ و نجاریان، بهمن. (۱۳۷۹). رابطه ساده و چندگانه متغیرهای حرمت خود، اضطراب اجتماعی و کمال‌گرایی با ابزار وجود در دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز، مجله دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه شهید چمران اهواز، دوره سوم، سال هفتم، شماره‌های ۳ و ۴، صفحات ۲۸-۱.

Baumeister, R. F. (1999). *The self in social psychology*. USA: 3rTaylor & Francis Press.

Cowman, S. E.; & Ferrari, J. R. (2002). "Am I for real?" Predicting imposter tendencies from self-handicapping and affective components. *Social Behavior and Personality*, 30 (2), 119-126.

Feick, D. L.; & Rhodewalt, F. (1997). The double-edged sword of self-handicapping: Discounting, augmentation and the protection and enhancement of self-esteem. *Motivation and Emotion*, 21, 147-163.

Ferrari, J. R. (1991). Self-handicapping by procrastinators: Protecting social-esteem, self-esteem, or both? *Journal of Research in Personality*, 25, 245-261.

Ferrari, J. R.; & Thompson, T. (2006). Imposter fears: Links with self-presentational concerns and self-handicapping behaviors. *Personality and Individual Differences*, 40 (2), 341-352.

Flett, G. L.; Hewitt, P. L.; Blankstein, K. R.; & Gray, L. (1998). Psychological distress and the frequency of perfectionistic thinking. *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1363-1381.

Franken, R. E. (1998). *Human motivation*. C A: ITP.

Frost, R. O.; Marten, P. A.; Lahart, C.; & Rosenblate, R. (1995). The dimensions of perfectionism. *Cognitive Therapy and Research*, 14, 449-468.

Greaven, D. A.; Santor, R.; Thompson, R.; & Zuroff, D. C. (2000). Adolescent self-handicapping, depressive affect and maternal parenting styles. *Journal of Youth and Adolescence*, 29, 631-646.

Higgins, C. R.; Snyder, C. R.; & Berglas, S. (1990). *Self-handicapping: The paradox the isn't*. New York: Plenum Press.

Hobden, K.; & Pliner, P. (1995). Self-handicapping and dimensions of perfectionism: Self-presentation vs self-protection. *Journal of Research in Personality*, 29, 461-474.

Kimble, C. E.; Funk, S. C.; & Dapolita, K. L. (1990). The effects of self-esteem uncertainty on behavioral self-handicapping. *Journal of Social Behavior and Personality*, 5, 137-149.

Kimble, C. E.; Kimble, E. A.; & Croy, N. A. (1998). Development of self-handicapping strategies.

Journal of Social Psychology, 138, 524-35.

- Kubarych, T. S.; Deary, I. J.; & Austin, E. J. (2004). The Narcissistic Personality Inventory: Factor structure in a non-clinical sample. *Personality and Individual Differences* 36, 57-72.
- Lee, S. J.; Quigley, B. M.; Nesler, M. S.; Corbett, A. B.; & Tedeschi, J. T. (1999). Development of a self-presentation tactics scale. *Personality and Individual Differences*, 26 (4), 701-722.
- Martin, A. J.; Marsh, H. W.; Williamson, A.; & Debus, R. L. (2004). Self-handicapping, defensive pessimism and goal orientation: A qualitative study of university students. *Journal of Educational Psychology*, 95, 617-628.
- McCrea, S. M.; & Hirt, E. R. (2001). The role of ability judgment in self-handicapping. *Personality and Social Psychology Bulletin*, 27, 1378-1389.
- Morf, C. C.; Weir, C.; & Davidov, M. (2002). Narcissism and intrinsic motivation: The role of goal congruence. *Journal of Experimental Social Psychology*, 36, 424-438.
- Murray, C. B.; & Warden, M. R. (1992). Implications of self-handicapping strategies for academic achievement: A reconceptualization. *Journal of Social Psychology*, 132, 23-37.
- Myers, D. G. (2002). *Social psychology*. McGraw-Hill Press.
- Nesler, M. S.; Tedeschi, J. T.; & Storr, D. M. (1995). Context effects, self-presentation and the self-monitoring scale. *Journal of Research in Personality*, 29, 273-284.
- Pulford, B. D.; Johnson, A.; & Awaida, M. (2005). A cross-cultural study of predictors of self-handicapping in university students. *Personality and Individual Differences*, 39 (4), 727-737.
- Rhodewalt, F.; & Fairfield, M. (1991). Claimed self-handicaps and the self-handicapper: On the relation of reductions in intended effort to performance. *Journal of Research Personality*, 25, 402-417.
- Rhodewalt, F.; Tragakis, M. W.; & Finnerty, J. (2006). Narcissism and self-handicapping: Linking self-aggrandizement to behavior. *Journal of Research in Personality*, 40, 573-597.
- Ross S. R.; Canada, K. E.; & Rausch, M. K. (2002). Self-handicapping and the five factor model of personality: Mediation between neuroticism and conscientiousness. *Personality and Individual Differences*, 23, 1173-1184.
- Roth, D. L.; Harris, R. N.; & Snyder, C. R. (1988). An individual differences measure of attributive and repudiative tactics of favorable self-presentation. *Journal of Social and Clinical Psychology*, 6, 15-170.
- Rynolds, W. M. (1982). Development of reliable and valid short forms of the marlow-crowne social desirability scale. *Journal of Clinical Psychology*, 138.

- Sabini, J. (1995). *Social psychology*. New York: Norton Press.
- Stevens, C. K.; & Kristof, A. L. (1995). Making the right impression: A field study of affilicant impression management during job interviews. *Journal of Applied Psychology*, 80, 587-606.
- Thompson, T. (2004). Failure-avoidance: Parenting, the achievement environment of the home and strategies for reduction. *Learning and Instruction*, 14, 3-26.
- Thompson, T.; & Richardson, A. (2001). Self-handicapping status, claimed handicaps and reduced practice effort following success and failure feedback. *British Journal of Educational Psychology*, 71, 151-170.
- Urden, T. (2004). Predictors of academic self-handicapping and achievement: Examining achievement goals, classroom goal structures and culture. *Journal of Educational Psychology*, 96 (2), 251-264.
- Urden, T.; Midgley, C.; & Anderman, E. (1998). The role of classroom goal structure in students use of self-handicapping strategies. *American Educational Research Journal*, 35, 101-122.
- Wallace, H. M.; & Baumeister, R. F. (2002). The performance of narcissists rises and falls with perceived opportunity for glory. *Journal of Personality and Social Psychology*, 82, 819-834.
- Warner, S.; & Moore, S. (2004). Excuses, excuse: Self-handicapping in an Australian adolescent sample. *Journal of Youth and Adolescence*, 33 (4), 271.
- Want, J.; & Kleitman, S. (2006). Imposter phenomenon and self-handicapping: Links with parenting styles and self-confidence. *Personality and Individual Differences*, 40 (5), 961-971.
- Watson, D.; & Friend, R. (1969). Measurement of social-evaluation anxiety. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 33, 448-457.